



در یک جامعه، زمانی انقلاب به وقوع می‌پیوندد که جابجایی قدرت سیاسی از طریق مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نباشد. به عبارت دیگر در صورتیکه ساختار سیاسی کشور اجازه تغییر قدرت سیاسی از طریق قانونی، از جمله انتخابات آزاد (برای تعیین رئیس‌جمهور و یا نمایندگان مجلس و از طریق آنان هیات وزیران) را بدهد ضرورتی برای انجام انقلاب احساس نمی‌شود. در این شرایط در صورتیکه مردم عملکرد دولت و نمایندگان مجلس را

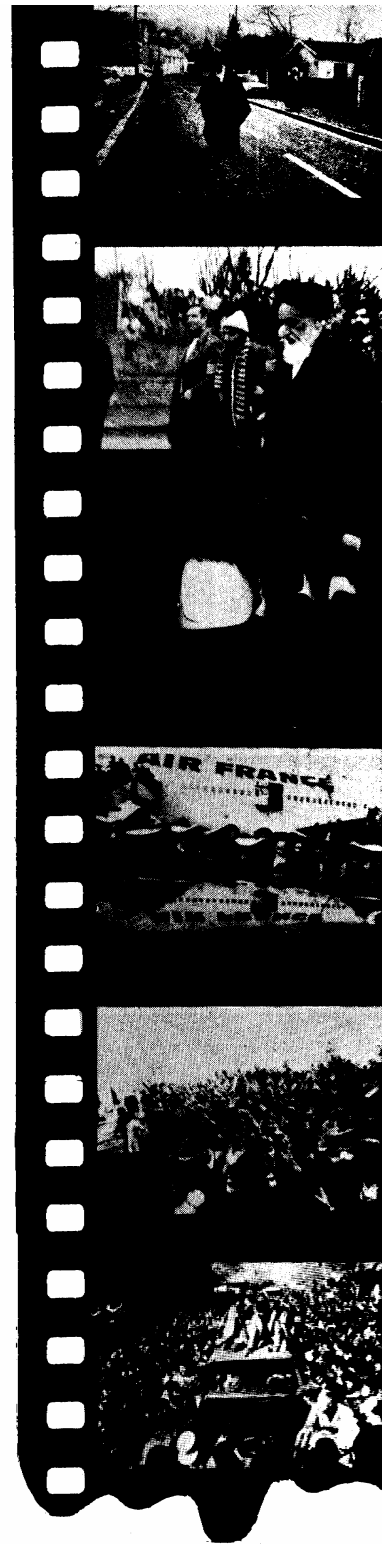
مفید به حال خود ندیدند با شرکت در انتخابات جدید، نمایندگانی دیگر، رئیس جمهور یا دولت جدیدی را بر سر کار می آورند. این جابجایی سیاسی بسیار آرام و در چارچوب قانون و بدون خشونت سیاسی صورت می پذیرد و هیچگونه ضرر اقتصادی، جانی و مالی به همراه ندارد. شرط مهم انجام این فرایند سیاسی وجود قوانینی است که حقوق مردم را در انجام فعالیت های سیاسی متذکر شده و کلیات آن را در قانون اساسی و جزئیات را در مصوبات مجلس، بیان می دارد. شرط دیگر انجام جابجایی قدرت از طریق مسالمت آمیز، پایبندی مجریان امور به قوانین و اجرای دقیق روح حاکم بر آنها است. بسیاری طبیعی خواهد بود که در صورت تحقق این دو شرط، انگیزه ای برای انقلاب باقی نمی ماند و مردم برای اجرای خواسته های خود از طریق قانون عمل کرده و تا حصول نتیجه آن را دنبال می کنند.

تجربیات سیاسی بدست آمده از حکومت های گوناگون در کشورهای مختلف بیان می دارد که هیچ دولت، حزب و یا گروهی نمی تواند برای مدت طولانی خواسته های مردم را تامین کند و دیری نمی پاید که مردم از آنها خسته شده و خواستار تغییر و جابجایی می شوند. در چنین شرایطی اگر حزب، گروه و یا مجموعه ای وجود داشته باشد که بتواند جای دولت را در چارچوب قانون بگیرد خواسته مردم عمل می شود. در غیراین صورت در دراز مدت مردم به جای تغییر دولت بدنبال تغییر رژیم خواهند رفت.

با توجه به این مقوله اکنون به بررسی ویژگی های حکومت در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته و ساختار رژیم سلطنتی را مورد بررسی قرار می دهیم.

طبق قانون اساسی گذشته، سلطنت موهبتی است الهی که به صورت موروثی در یک خاندان به جریان می افتد. طبق این قانون شاه از مسئولیت مبری است و باید سلطنت کند نه حکومت.

اولین نکته ای که در این قانون مورد توجه قرار می گیرد اینست که مجلس موسسان در یک زمان خاص و با توجه به شرایط همان زمان درباره زمانهای دیگری تصمیم می گیرد و بدون اینکه حقی برای نسلهای بعد قائل باشد سلطنت را در یک خانواده موروثی می کند.







این حق در صورتیکه فردی واجد شرایط باشد، وابسته به غیر نباشد و در پی تامین منافع ملت باشد فقط برای یک دوره حکومتی قابل اجرا است و موروثی نمودن آن بدون اطلاع از صلاحیت‌های فرد یا افراد بعدی کاری عبث و غیرعقلانه است.

این مطلب، اشکالی بود که رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) در بدو ورود به ایران و پس از پانزده سال دوری از وطن در بهشت زهرا مطرح کردند و با این استدلال اثبات نمودند که اصولاً رژیم سلطنتی، جدای از ماهیت آن، رژیم مناسبی برای ایران نیست و باید تغییر یابد. مهمترین استدلال ایشان در این زمینه این بود که مثلاً مردم زمان محمد رضا در انتخاب وی به سلطنت هیچ نقشی نداشته‌اند و این حقی بوده که گذشتگان از آنان سلب نموده‌اند.

حال بعد از بررسی ماهیت رژیم سلطنتی که ذاتاً غیرمردمی است، به بررسی اصول و ضوابط قانونی همان رژیم می‌پردازیم تا مشخص شود که اصول و قوانین اعلام شده اجرا می‌شده یا نه؟ همانگونه که قبلاً ذکر گردید در قانون اساسی گذشته شاه حق حکومت نداشت و می‌بایست سلطنت کند. بر مبنای آن قانون، قدرت در دست دولت منتخب مجلسی بود که نمایندگان آن از طرف مردم انتخاب می‌شدند.

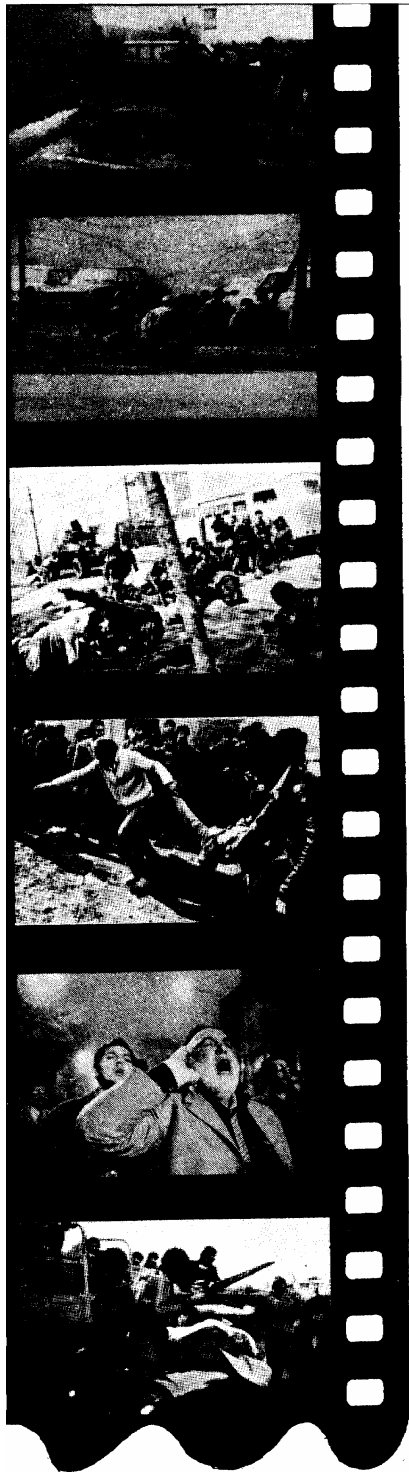
این روح قانون شاید در ابتدای سلطنت محمدرضا تا حدی اجرا می‌گردید زیرا در آن زمان وی در سنینی نبود که توان اعمال قدرت داشته باشد، و از آن گذشته سیاستمداران رژیم بدلیل کبرسن و موقعیت ویژه کشور بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم، اجازه دخالت در امور را به او نمی‌دادند. با گذشت زمان و تغییر شرایط بویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که دوازده سال از سلطنت وی می‌گذشت، زمینه دخالت در امور، قبضه قدرت، و زیرپا گذاشتن قانون آماده گردید و کار بجایی رسید که پس از کشتار ۱۵ خرداد ۴۲ قدرت سیاسی بطور کامل در دست شاه قرار گرفت و مجلس و دولت عامل اجرای منویات وی شدند. در این شرایط انتخابات مجلس شورای ملی فرمایشی بود و افراد مورد نظر شاه از صندوق بیرون می‌آمدند و دولت منتخب این مجلس نیز مشخص بود که چه ویژگی‌هایی دارد.

این عملکرد رژیم، همراه با روش استبدادی و ضداسلامی آن در کنار فساد بی حد و حصر حاکمان، وجود اختلاف طبقاتی فاحش و در نهایت وابستگی مطلق به قدرت خارجی باعث جدایی کامل مردم از رژیم و در نهایت مقابله قهرآمیز گردید. مردم که از اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور به تنگ آمده و بدنبال اصلاح دولت و جابجایی قدرت بودند راهی جز رو در رویی مستقیم با رژیم نداشتند. آنها بخوبی دریافته بودند که اصلاح امور از طریق مجلس شورای ملی امکان پذیر نیست زیرا انتخابات آزاد در کشور وجود نداشت و نمایندگان مجلس بانظر فنودالها، سرمایه داران، سفارتخانه های خارجی و شخص شاه انتخاب می شدند. همچنین مردم شاهد بودند که دولت منتخب این مجلس که مورد تأیید شاه نیز هست دولتی نیست که بتواند مسایل آنها را پاسخگو باشد و در عین حال هیچ راه مسالمت آمیزی جهت تعویض آن نداشتند. از این گذشته مردم در مورد تغییر شخص شاه که طبق قانون اساسی شخص اول مملکت به حساب می آمد کوچکترین اختیاری نداشتند، زیرا گذشتگان تصمیم گرفته بودند که محمدرضا برای آنها شاه باشد.

مجموعه این دلایل باعث گردید که پس از یک دوره آزمون و خطا مردم به این نتیجه برسند که برای نجات کشور راهی جز انقلاب قهرآمیز در پیش رو ندارند و باید از طریق رودرروی مستقیم با رژیم و نه با دولت مشکلات خود را به بهترین وجه حل نمایند.

در آن مقطع نکته مهم این بود که درگیری مستقیم با رژیمی که به قول خودش (گرچه به غلط) یک سابقه ۲۵۰۰ ساله دارد و در عین حال از نظر امکانات نظامی، امنیتی و اطلاعاتی در بهترین شرایط به سر می برد و از این گذشته حمایت های سیاسی و بین المللی و منطقه ای را نیز به همراه دارد حقیقتاً کار آسانی به نظر نمی رسید. در چنین شرایطی نقش رهبری پیامبر گونه حضرت امام ظاهر گشت و گرچه در ابتدای امر بدلیل آگاه نبودن کامل مردم و عدم شرکت همه جانبه آنها در نهضت، مشکلاتی بوجود آمد اما در نهایت موفق به هدایت کامل دریای موج انسانهای جان به لب رسیده شد و کشتی نجات را به سر منزل مقصود رساند.





در این شرایط عملکرد رژیم از یک طرف، و برخورد امام از طرف دیگر به گونه‌ای بود که روز به روز مردم نسبت به رژیم سلطنتی بی‌اعتقادتر و نسبت به امام و اندیشه‌های او معتقدتر می‌شدند. این جریان حدود ۱۵ سال به طول انجامید تا جاییکه اکثریت قریب به اتفاق مردم از رژیم سلطنتی بریده و به نظام اسلامی موردنظر امام گرویدند.

امام با شناخت دقیق نسبت به عامل اصلی مشکلات کشور، شخص شاه و رژیم را مورد حمله قرار داد و برخلاف نظر بعضی گروه‌های سیاسی که بدنبال ایجاد اصلاح در درون رژیم بودند و اجرای قانون اساسی سلطنتی را پی‌گیری می‌کردند، با جذب طبقات مختلف مردم نهضت را تا پیروزی نهایی هدایت کرد.

جدا شدن طبقات مختلف مردم از رژیم سلطنتی و پیوستن آنها به انقلاب اسلامی بر مبنای درجه وابستگی و چسبندگی آنها به رژیم بود. به همین دلیل آخرین گروهی که از رژیم شاه جدا شد و به انقلاب اسلامی پیوست ارتش شاه و در راس آن نیروی هوایی بود. این نیرو ضمن بیعت با امام در مدرسه رفاه به مقابله و درگیری با گارد شاهنشاهی پرداخت و در نهایت خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد.

در اینجا مناسب است جهت تکمیل مطلب به ذکر خاطره‌ای از دوران انقلاب و پاک باختگی نیروی هوایی که بدلیل استراتژی ابتکاری امام (کل در مقابله گلوله) جذب مردم و اسلام شد بپردازیم:

یک هفته قبل از پیروزی انقلاب مقدس اسلامی، حضرت امام دولت موقت را منصوب و از همگان خواستند که از این دولت حمایت کنند. جهت انجام این امر تظاهراتی در مقابل دانشگاه صنعتی شریف با شرکت گروه‌های مختلف انجام شد و شعارها همگی در جهت حمایت از دولت منتخب امام بود. در میان این تظاهرات یکمرتبه متوجه شدم که صفی طولانی از افسران و درجه‌داران نیروی هوایی از طرف میدان آزادی به طرف میدان انقلاب در حرکتند و پیشاپیش آنها یک سرهنگ نیروی هوایی سمت رهبری را برعهده دارد. از دیدن این صحنه بقدری تحت تاثیر قرار گرفتم که تا لحظه‌ای توان انجام هیچگونه عکس‌العملی را

نداشتم. بنده بخوبی می‌دانستم که اگر نهضت به پیروزی نرسد تمام این افراد اعدام خواهند شد و رژیم پهلوی در انجام این کار هیچ شکی بخود راه نخواهد داد. پس از لحظه‌ای درنگ به طرف سرهنگ مزبور رفتم و از او پرسیدم مقصد شما کجاست؟ وی اظهار داشت: نمی‌دانم. به او گفتم با توجه به خطری که شما را تهدید می‌کند بهتر است به طرف منزل امام بروید و در آنجا مستقر شوید. وی سری تکان داد و اظهار داشت ما نیاز به پلاکاردها داریم اما وسیله تهیه‌اش را نداریم. به او گفتم چند نفر از همکارانتان را بداخل دانشگاه شریف بفرستید، دانشجویان پلاکاردهای مربوط را برای شما تهیه خواهند کرد. وی همین کار را انجام داد و بعد از مدتی پلاکاردهای موردنظر در جهت اعلام همبستگی نیروی هوایی با انقلاب اسلامی به اهتزاز درآمد.

این واقعه همزمان با پیوستن افراد این نیرو در پادگان نیروی هوایی در خیابان تهران‌نو به انقلاب اسلامی بود که بدنیاال درگیری شب قبل در این پادگان به وقوع پیوست. در آن شب تلویزیون تصویر امام را نشان می‌دهد و تعدادی از افراد پس از رؤیت عکس حضرت امام صلوات می‌فرستند. این اقدام باعث مقابله گارد شاهنشاهی با این افراد و در نتیجه مقاومت مسلحانه آنان شده و درگیری بالا گرفته و به خیابان کشیده می‌شود. در این شرایط مردم به کمک انقلابیون نیروی هوایی شتافته و مشترکاً گارد شاهنشاهی را به شکست می‌کشانند.

شرکت همه جانبه و تمام عیار مردم در انقلاب اسلامی ایران از یک طرف مدیون رهبری پیامبر گونه امام و از طرف دیگر بدلیل ناامیدی و یاس از رژیم سلطنتی جهت پاسخگویی به خواسته‌های برحقشان بود. این دو عامل در مجموع باعث گردید که مردم امام را به رهبری برگزینند و با تمام وجود گوش جان به فرامین او بسپارند و رهنمودهایش را تا پیروزی کامل به اجرا درآورند.

دست‌اندرکاران نشریه رازی شانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را خدمت تمامی همکاران ارجمند تبریک عرض نموده و آرزو دارند همچون گذشته در جهت اهداف مقدس این انقلاب گام بردارند.

دکتر سیدمحمد صدر

